

[اذان و اقامه 1](#_Toc43565163)

[فصول اقامه 1](#_Toc43565164)

[کیفیت اقامه 3](#_Toc43565165)

[اختلاف روایات 3](#_Toc43565166)

[مقتضای صناعت (حمل بر مراتب استحباب) 4](#_Toc43565167)

[روایت شاهد جمع 4](#_Toc43565168)

[مناقشه در شاهد جمع 5](#_Toc43565169)

[استحباب صلوات بعد از نام پیامبر صلی الله علیه و آله 5](#_Toc43565170)

[شهادت ثالثه در اذان و اقامه 6](#_Toc43565171)

[مباحث پیرامون شهادت ثالثه 6](#_Toc43565172)

**موضوع**: مسائل /اذان و اقامه /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث راجع به این بود که ابتدای اذان چهار تکبیر دارد یا دو تکبیر دارد که دو دسته أدله بیان شد و نظر مرحوم خویی و آقای سیستانی در رابطه با حل معارضه بین این دو دسته مورد بررسی قرار گرفت.

# اذان و اقامه

بحث راجع به اذان و اقامه بود؛ صاحب عروه فرمودند فصول اذان 18 و فصول اقامه 17 عدد است. راجع به فصول اذان بحث کردیم.

## فصول اقامه

آنچه صاحب عروه در رابطه با 17 فصل داشتن اقامه فرموده اند، موافق مشهور است که در ابتدای اقامه دو مرتبه الله اکبر گفته می شود و بعد از «حی علی خیر العمل» دو مرتبه «قد قامت الصلاة» گفته می شود و در انتها هم یک بار «لا الاه الا الله» گفته می شود. بر این مطلب ادّعای اجماع هم شده است.

ولی صدوق در کتاب هدایه فرموده اند: اذان 20 فصل و اقامه 22 فصل دارد؛ یعنی همان اذان بدون این که چیزی از آن کم شود به همراه دو مرتبه «قد قامت الصلاة» بعد از «حی علی خیر العمل» اقامه می شود. شاید مستند صدوق در کتاب هدایه روایت کلیب اسدی و أبی بکر حضرمی، باشد که بعد از بیان فصول اذان فرمودند «و الاقامه کذلک» [وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ كُلَيْبٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ حَكَى لَهُمَا الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ فَقَالَ- اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ ص أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ ص حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْإِقَامَةُ كَذَلِكَ[[1]](#footnote-1)] البته در این روایت، فصول اذان 18 عدد است زیرا الله اکبر در آخر اذان دو مرتبه است؛ بر خلاف آنچه که صدوق در هدایه فرموده و چهار بار الله اکبر را در آخر اذان تکرار می کند؛ ولی از این جهت که می فرماید اقامه مثل اذان است و از طرفی مسلّم است که اقامه دو مرتبه «قد قامت الصلاة» دارد نتیجه این می شود که مثل اذان به همراه دو مرتبه «قد قامت الصلاة» است.

لکن این روایت باید توجیه شود؛ یا باید بگوییم «و الاقامة کذلک» اجمالاً اقامه را مثل اذان قرار داده است نه تفصیلاً؛ یعنی تقریباً اقامه مثل اذان است. یا این که بر استحباب و مراتب فضیلت حمل کنیم به خاطر روایات دیگری که در مقام است.

مرحوم شیخ طوسی در کتاب نهایه می فرماید: در اقامه 17 فصل است و لکن روایات دیگری است که اگر کسی به آن ها عمل کند گنه کار نیست: بعد از این که اذان را 18 فصل و اقامه را 17 فصل بیان می کنند که مجموعاً 35 فصل می شود می فرماید:«و هذا الذي ذكرناه من فصول الأذان و الإقامة هو المختار المعمول عليه. و قد روي سبعة و ثلاثون فصلا في بعض الرّوايات. و في بعضها ثمانية و ثلاثون فصلا، و في بعضها اثنان و أربعون فصلا فأمّا من روى سبعة و ثلاثين فصلا، فإنّه يقول في أوّل الإقامة أربع مرّات «اللّه أكبر»، و يقول في الباقي كما قدّمناه. و من روى ثمانية و ثلاثين فصلا، يضف الى ما قدّمناه من قول: «لا إله إلّا‌ اللّه» مرّة أخرى في آخر الإقامة. و من روى اثنين و أربعين فصلا، فإنّه يجعل في آخر الأذان التّكبير أربع مرّات، و في أوّل الإقامة أربع مرات، و في آخرها أيضا مثل ذلك أربع مرّات، و يقول: «لا إله إلّا اللّه» مرّتين في آخر الإقامة. فإن عمل عامل على إحدى هذه الرّوايات، لم يكن مأثوما»[[2]](#footnote-2) یعنی روایت شده که 37 فصل است یعنی دو فصل بیشتر است که اول اقامه به جای دو تکبیر، چهار تکبیر گفته می شود. و روایت شده که اذان و اقامه 38 فصل دارد که در نتیجه اقامه 20 فصل پیدا می کند که چهار بار الله اکبر در ابتدای اقامه گفته می شود و لا الاه الا الله در آخر اقامه دو مرتبه گفته می شود. و روایت داریم اذان و اقامه 42 فصل دارد که در این صورت آخر اذان به جای دو تکبیر، چهار تکبیر می گوید و در آخر اقامه به جای دو بار تکبیر، چهار بار تکبیر بگوید. و هر کس طبق این روایات عمل کند گناه نکرده است.

این روایاتی که شیخ طوسی بیان می کند سند ندارد و لذا قابل اعتماد نیست.

## کیفیت اقامه

### اختلاف روایات

**راجع به کیفیت اقامه، روایات معتبره نیز اختلاف دارند؛**

مثلاً در صحیحه صفوان جمّال آمده است: « أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ الْأَذَانُ مَثْنَى مَثْنَى وَ الْإِقَامَةُ مَثْنَى مَثْنَى[[3]](#footnote-3)» اذان دو تا دو تا است و اقامه نیز دو تا دو تا است.

در صحیحه معاویة بن وهب چنین آمده است: فَأَمَّا مَا رَوَاهُ الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْأَذَانُ مَثْنَى مَثْنَى وَ الْإِقَامَةُ وَاحِدَةً وَاحِدَةً.[[4]](#footnote-4)

طبعاً این دو روایت با هم اختلاف دارند؛ مفاد صحیحه معاویة بن وهب این است که کلمات اقامه یکبار گفته می شود و تکرار نمی شود.

روایت سوم صحیحه عبدالله بن سنان است: وَ- مَا رَوَاهُ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْإِقَامَةُ مَرَّةً مَرَّةً إِلَّا قَوْلَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَإِنَّهُ مَرَّتَانِ.[[5]](#footnote-5)

مفاد صحیحه این است که به غیر از الله اکبر که دو بار گفته می شود بقیه فصول اقامه یکبار گفته می شود. لذا این صحیحه هم با صحیحه صفوان تعارض دارد. ولی با صحیحه معاویة بن وهب قابل جمع است و می توان تعبیر «الاقامة واحدة واحدة» را مقیّد به «الا الله اکبر» کرد.

روایت چهارم معتبره اسماعیل جعفی است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ الْأَذَانُ وَ الْإِقَامَةُ خَمْسَةٌ وَ‌ ثَلَاثُونَ حَرْفاً فَعَدَّ ذَلِكَ بِيَدِهِ وَاحِداً وَاحِداً الْأَذَانَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ حَرْفاً وَ الْإِقَامَةَ سَبْعَةَ عَشَرَ حَرْفاً[[6]](#footnote-6).

این معتبره همان روایتی است که مشهور بر اساس آن فتوا داده اند؛ البته این معتبره توضیح نداده است که اقاه چگونه 17 فصل دارد ولی با سیره متشرعه و فتوای مشهور، روشن می شود که کیفیت اقامه همان کیفیت مشهور است که 17 فصل دارد.

### مقتضای صناعت (حمل بر مراتب استحباب)

**مرحوم خویی راجع به این روایات فرموده اند**: مقتضای صناعت، حمل بر اختلاف مراتب استحباب است؛ زیرا أصل اقامه مستحب است و در أوامر وارده در مستحبات که اختلاف دارند مقتضای صناعت و جمع عرفی این است که گفته شود مراتب استحباب مختلف است و مرتبه أعلای استحباب این است که دو بار دو بار اقامه بگوییم و مرتبه أدنای استحباب این است که یکبار یکبار اقامه بگوییم و فصول اقامه را تکرار نکنیم.

### روایت شاهد جمع

**ایشان فرموده اند:** فقط به خاطر صحیحه أبی همّام از این جمع عرفی دست بر می داریم؛ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: الْأَذَانُ وَ الْإِقَامَةُ مَثْنَى مَثْنَى وَ قَالَ إِذَا أَقَامَ مَثْنَى مَثْنَى وَ لَمْ يُؤَذِّنْ أَجْزَأَهُ فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ وَ مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَاحِدَةً وَاحِدَةً وَ لَمْ يُؤَذِّنْ لَمْ يُجْزِهِ إِلَّا بِأَذَانٍ.[[7]](#footnote-7) مفاد روایت این است که اگر انسان اذان نگوید و تنها اقامه بگوید باید دوبار دوبار فصول اقامه را تکرار کند ولی اگر اذان بگوید کافی است که انسان یکبار فصول اقامه را تکرار کند.

این صحیحه شاهد جمع می شود که «الاقامة مثنی مثنی» را بر جایی که اقامه گفته نمی شود حمل کنیم و «الاقامة واحده واحده» را بر جایی که اذان گفته می شود حمل کنیم.

#### مناقشه در شاهد جمع

**به نظر ما این فرمایش مرحوم خویی تمام نیست**؛ زیرا مبتنی بر این است که ما با خطاب سوم، بین دو خطاب أول که با هم متباین اند جمع عرفی ایجاد کنیم؛ دو خطاب أول با هم متباین بوده و یکی تعبیر «الاقامة مثنی مثنی» و دیگری «الاقامة واحدة واحدة» را بیان می کند؛ حال این که این دو خطاب جمع عرفی داشته و بر مراتب استحباب حمل می شوند یا جمع عرفی ندارند بحث دیگری است ولی به لحاظ موضوع و محمول فی حد ذاته با هم متباین اند؛ این که خطاب سومی بخواهد بین این دو جمع عرفی موضوعی ایجاد کند و «الاقامة مثنی مثنی» را بر جایی که بدون اذان است حمل کنیم و «الاقامة واحدة واحدة» را بر جایی که همراه با اذان است حمل کنیم جمع عرفی نیست. لذا به نظر ما همان بیان أول مرحوم خویی خوب است که این ها بر مراتب فضیلت و استحباب حمل می شود و در عین حال قبول داریم که صحیحه أبی همّام در فرضی که اقامه بگوییم و اذان نگوییم می گوید «واحدة واحده» مجزی نیست و صحیحه معاویة بن وهب را تخصیص می زند که می گوید «الاقامة واحدة واحدة»، و نتیجه این می شود که فصل های اقامه در صورتی که بدون اذان باشد باید دوبار تکرار شود و اگر همراه با اذان باشد أفضل این است که دوبار دوبار گفته شود ولی جایز است و أقل مرتبه استحباب این است که یکبار گفته شود.

## استحباب صلوات بعد از نام پیامبر صلی الله علیه و آله

صاحب عروه در ادامه فرموده اند: و يستحب الصلاة على محمد و آله عند ذكر اسمه

یعنی بعد از «أشهد أن محمدا رسول الله» مستحب است «صلی الله علیه و آله» گفته شود و در این مطلب شکی نیست و این مطلب مسلّم است بلکه مرحوم خویی فرموده است ظاهر مثل صحیحه زراره «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِذَا أَذَّنْتَ فَأَفْصِحْ بِالْأَلِفِ وَ الْهَاءِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ كُلَّمَا ذَكَرْتَهُ أَوْ ذَكَرَهُ ذَاكِرٌ فِي أَذَانٍ وَ غَيْرِهِ[[8]](#footnote-8)» وجوب صلوات بر محمد و آل محمد در هنگام ذکر اسم حضرت یا شنیدن نام حضرت در اذان یا غیر اذان است؛ لکن چون این مسأله از مسائل عام البلوی است و اگر این مطلب واجب می بود نزد متشرعه واضح می شد «لو کان لبان» در حالی که معظم فقهاء فتوای به وجوب نداده اند مگر فقهای معدودی از جمله ظاهر صاحب وسائل این است که واجب است، و سیره و ارتکاز متشرعه بر وجوب نیست و لذا همان طور که مشهور گفته اند قائل به استحباب هستیم که اگر نام حضرت را در اذان و اقامه یا غیر آن گفتیم یا شنیدیم صلوات بر محمد و آل محمد بفرستیم.

## شهادت ثالثه در اذان و اقامه

صاحب عروه در ادامه فرموده است: و أما الشهادة لعلي ع بالولاية و إمرة المؤمنين فليست جزء منهما

شهادت ثالثه «أشهد أن علیا ولی الله» جزء اذان و اقامه نیست؛ برخی از بزرگان مثل آسید عبدالهادی شیرازی حاشیه زده اند «الا أنها تستحب فیهما» یک مستحب مستقلی که ظرفش اذان و اقامه باشد شهادت ثالثه است؛ مستحب نفسی و مستحب مستقلی است که ظرفش اذان و اقامه است و جزء اذان و اقامه نیست که بدون آن، اذان و اقامه باطل باشد.

راجع به شهادت ثالثه کلماتی از فقهای امامیه آمده است که ابتدا آن ها را نقل می کنیم؛

مرحوم صدوق در کتاب فقیه، عبارت تندی دارد؛ ایشان در کیفیت اذان فرموده است: وَ الْمُفَوِّضَةُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ قَدْ وَضَعُوا أَخْبَاراً وَ زَادُوا فِي الْأَذَانِ- مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ مَرَّتَيْنِ وَ فِي بَعْضِ رِوَايَاتِهِمْ بَعْدَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ اللَّهِ مَرَّتَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ رَوَى بَدَلَ ذَلِكَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقّاً مَرَّتَيْنِ وَ لَا شَكَّ فِي أَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ اللَّهِ وَ أَنَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقّاً وَ أَنَّ مُحَمَّداً وَ آلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ وَ لَكِنْ لَيْسَ ذَلِكَ فِي أَصْلِ الْأَذَانِ وَ إِنَّمَا ذَكَرْتُ ذَلِكَ لِيُعْرَفَ بِهَذِهِ‌ الزِّيَادَةِ الْمُتَّهَمُونَ بِالتَّفْوِيضِ الْمُدَلِّسُونَ أَنْفُسَهُمْ فِي جُمْلَتِنَا[[9]](#footnote-9)

مقصود ایشان از مفوّضه کسانی است که قائل اند أمر خلق به أئمه علیهم السلام تفویض شده است که از غلات به حساب می آیند.

مرحوم شیخ طوسی در نهایه فرموده اند: و أمّا ما روي في شواذّ الأخبار من قول: «أشهد انّ عليا وليّ اللّه و آل محمّد خير البريّة» فممّا لا يعمل عليه في الأذان و الإقامة. فمن عمل بها كان مخطئا.[[10]](#footnote-10)

ایشان در مبسوط فرمود اند: فأما قول: أشهد أن عليا أمير المؤمنين و آل محمد خير البرية على ما ورد في شواذ الأخبار فليس بمعمول عليه في الأذان و لو فعله الإنسان يأثم به غير أنه ليس من فضيلة الأذان و لإكمال فصوله.[[11]](#footnote-11)

### مباحث پیرامون شهادت ثالثه

**در اینجا چند بحث مطرح می شود**؛ یکی این که قول مشهور که شهادت ثالثه جزء اذان و اقامه نیست صحیح است؟ برخی قائل شده اند که با أدله می توان ثابت کرد شهادت ثالثه جزء اذان و اقامه است.

بحث دوم این است که اگر طبق نظر مشهور، شهادت ثالثه جزء اذان و اقامه نباشد، گفتن شهادت ثالثه در اذان و اقامه بدون قصد جزئیت جایز است؟ برخی شبهه بدعت را راجع به آن بیان کرده اند که باید از آن بحث شود.

بحث سوم این است که شهادت ثالثه در اقامه به خصوص مشکل ایجاد نمی کند؟ از این حیث که در روایات داریم کسی که در أثنای اقامه تکلّم کند باید اقامه را اعاده کند چون اقامه از نماز است «فإن الاقامة من الصلاة» و تکلّم یعنی آنچه نه ذکر الله است و نه ذکر النبی است و نه دعاء است و نه قرائت قرآن است. و لذا جلّ فقهاء می گویند در نماز نمی شود «أشهد أن علیا ولی الله» را گفت زیرا تکلّم به کلامی است که مصداق ذکر خدا و ذکر پیامبر و ذکر قرائت قرآن و مصداق دعاء نیست.

1. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص306.](http://lib.eshia.ir/11002/1/306/کلیب%20) [↑](#footnote-ref-1)
2. [النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، شیخ طوسی، ج1، ص68.](http://lib.eshia.ir/10054/1/68/المعمول%20) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص303.](http://lib.eshia.ir/11005/3/303/الجمّال%20) [↑](#footnote-ref-3)
4. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص307.](http://lib.eshia.ir/11002/1/307/واحده%20) [↑](#footnote-ref-4)
5. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص307.](http://lib.eshia.ir/11002/1/307/مرتان%20) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص302.](http://lib.eshia.ir/11005/3/302/سمعت%20) [↑](#footnote-ref-6)
7. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص280.](http://lib.eshia.ir/10083/2/280/یجزه%20) [↑](#footnote-ref-7)
8. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص303.](http://lib.eshia.ir/11005/3/303/ذاکر%20) [↑](#footnote-ref-8)
9. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص290.](http://lib.eshia.ir/11021/1/290/أصل%20الاذان) [↑](#footnote-ref-9)
10. [النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، شیخ طوسی، ج1، ص69.](http://lib.eshia.ir/10054/1/69/مخطئا) [↑](#footnote-ref-10)
11. [المبسوط فی فقه الإمامیة، شیخ طوسی، ج1، ص99.](http://lib.eshia.ir/10036/1/99/یأثم%20) [↑](#footnote-ref-11)